



Analyzing the contexts for achieving sustainable security in multi-ethnic metropolises of Iran using the policy network model

Afshin Karami ¹ | Majid Nejatpour ²

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Tehran, Iran. Email: a.karami@scu.ac.ir
2. Assistant Professor of Political Science, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

Volume info

Vol. 24
Series: 109
Autumn 2025
P.P: 107-132

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-05-27
Revised:
2025-09-21
Accepted:
2025-12-17
Published:
2025-12-21

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2008-6121
E-ISSN: 2645-5218



Abstract

This study aims to analyze the foundations for achieving sustainable security in Iran's multi-ethnic metropolitan areas using the policy networks model. The findings indicate that the complex nature of security challenges in these regions requires a comprehensive and multidimensional approach. The policy networks model serves as an analytical framework that enables the examination of intricate interactions among governmental institutions, civil society organizations, and ethnic groups. The present descriptive-analytical study demonstrates that achieving sustainable security depends on establishing a balance among three key elements: good governance, social justice, and citizen participation. Unequal resource distribution, perceived relative deprivation, and weak social capital have been identified as the most significant security threats in these metropolitan areas. Conversely, strengthening intergroup trust, developing local mediating institutions, and implementing targeted cultural programs have been proposed as fundamental solutions for enhancing sustainable security. This research suggests that security policymaking in multi-ethnic metropolitan areas should evolve from a purely reactive model toward a preventive, intelligent, and community-oriented approach. Among the practical recommendations are establishing security advisory councils with participation from ethnic group representatives, implementing multi-ethnic community policing, and providing intercultural skills training for law enforcement personnel. Finally, the study emphasizes the necessity of integrating traditional security approaches with innovative community-based strategies while simultaneously addressing both objective and subjective dimensions of security.

Keywords: Sustainable Security, Metropolis, Ethnicity, Governance, Iran.

Cite this Article: Karami, A., & Nejatpour, M. (2025). Analyzing the contexts for achieving sustainable security in multi-ethnic metropolises of Iran using the policy network model. *Scientific Journal of Defensive Researches and Management*, 24(109), 107-132.

doi : 10.47176/mdr.2025.1412



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights



Publisher: Imam Hossein University.

تحلیل زمینه‌های تحقق امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چندقومی جمهوری اسلامی ایران

افشین کرمی^۱ | مجید نجاتپور^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، تهران، ایران.

Email: a.karami@scu.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش باهدف تحلیل زمینه‌های تحقق امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چند قومی ایران با استفاده از مدل شبکه‌های سیاستی انجام شده است. روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه اسناد، گزارش‌های رسمی، قوانین و مقررات و پژوهش‌های پیشین گردآوری شده‌اند. با بررسی نظام‌مند پیشینه تحقیق و تحلیل محتوای منابع معتبر، کنشگران کلیدی (شامل نهادهای حکومتی، سازمان‌های محلی، گروه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی) شناسایی و نقش آن‌ها در شکل‌دهی به شبکه سیاست‌گذاری امنیت پایدار تبیین شده است. سپس، با استفاده از نرم‌افزار ساختار روابط، سطح تأثیرگذاری و الگوهای تعامل بین کنشگران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد تحقق امنیت پایدار در گرو استقرار حکمرانی خوبی است که بر پایه عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندی بنا شده باشد. توزیع ناعادلانه منابع، احساس محرومیت نسبی و ضعف سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده امنیت در کلان‌شهرهای چندقومی شناسایی شده‌اند. از سوی دیگر، تقویت اعتماد بین گروهی، توسعه نهادهای میانجی‌تر محلی و اجرای برنامه‌های فرهنگی هدفمند به‌عنوان راهکارهای اساسی تقویت امنیت پایدار معرفی شده‌اند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاری امنیتی در کلان‌شهرهای چند قومی باید از الگوی صرفاً واکنشی به سمت رویکردی پیشگیرانه، هوشمند و جامعه‌محور تحول یابد. تشکیل شوراهای مشورتی امنیتی با مشارکت نمایندگان گروه‌های قومی، استقرار پلیس محله‌ای چند قومی و آموزش نیروهای انتظامی در حوزه مهارت‌های بی‌فرهنگی از جمله راهکارهای عملیاتی پیشنهادی این مطالعه هستند.

کلیدواژه‌ها: امنیت پایدار، کلان‌شهر، قومیت، حکمرانی، ایران.

استناد: کرمی، افشین، نجاتپور، مجید. (۱۴۰۴). تحلیل زمینه‌های تحقق امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چندقومی

جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۲۴(۱۰۹)، ۱۰۷-۱۳۲.

doi : 10.47176/mdr.2025.1412

© نویسنده(گان) حق نشر و حقوق کامل انتشار را برای خود محفوظ می‌دارند.



ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع).



مقدمه

امنیت در دوره‌های مختلف تاریخ، همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشری مطرح بوده و اتباع نیز تأمین و تضمین آن را زیربنایی‌ترین وظیفه و انتظار از حاکمیت دانسته‌اند (ملکشاهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱). سرزمین ایران از روزگاران کهن جایگاه سکونت اقوام گوناگون با موقعیت‌های تقریباً همانند بوده است. از این رو می‌توان ایران را کشوری چندقومی یا دارای تنوع قومی دانست. تنوع قومی ناظر بر وضعیتی است که گروه‌های قومی مختلف هر کدام با هویت خاص خود که ریشه در تجربیات، منافع، خودآگاهی‌ها و تبار مشترکشان دارد، در درون یک اجتماع بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. نگاهی به تاریخ گذشته ایران بیانگر این واقعیت است که این کشور از معدود کشورهای تاریخی و باستانی به‌شمار می‌آید که دارای تنوع قومی، زبانی، فرهنگی چند هزار ساله است، چراکه این سرزمین به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط آب و هوایی خود در طول تاریخ همواره محل عبور اقوام و مهاجران مختلف با فرهنگ‌های گوناگون بوده است. به‌طور کلی نواحی متنوع فرهنگی و قومی در ایران به‌تناسب پیشینه تاریخی و تحولات سیاسی - اجتماعی در گستره این سرزمین، دارای وسعت و دایره اثرگذاری متفاوتی در گذار تاریخ آن بوده‌اند. آذری‌ها، کردها، لرها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و بلوچ‌ها گروه‌های عمده قومی در ایران می‌باشند. برخی از این اقوام در دو سوی مرزهای بین‌المللی سکونت دارند (حسنی‌فر و عباس‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۷). البته در حال حاضر آمار دقیق در مورد گروه‌های قومی موجود در ایران در دسترس قرار ندارد؛ اما در ارتباط با ترکیب قومی ایران می‌توان گفت الگوی ملت در ایران ترکیبی و نامتوازن است و ملت ایران را از این منظر می‌توان بر اساس متغیرهای قومیت، دین و مذهب مورد مطالعه قرارداد. گروه‌های قومی ایران در مناطق مختلف جغرافیایی فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هویت خاص خود را دارند و همین امر هر گروه قومی را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه متفاوت و متمایز می‌سازد؛ بنابراین وجود گروه‌ها و مناطق مختلف فرهنگی در کشور که بر اساس تمایزات زبانی و قومی خاص شکل گرفته و قابل‌بازشناسی هستند، امری انکارناپذیر به نظر می‌رسد (زمانی، ۱۳۹۴: ۴۴۶).

اگر بپذیریم که امروزه برقراری نظم و انسجام اجتماعی، تحکیم توسعه‌یافتگی و مدیریت تضادها و منازعات اجتماعی و در یک کلام تحقق امنیت پایدار، اصلی‌ترین ضرورت نظام تدبیر و

شاخص حکمروایی خوب است، آنگاه تحقق این امر نیازمند همفکری، همدلی و همگامی و به بیان دیگر شناسایی الگوهای حکمرانی خوب جهت نیل به امنیت پایدار است. در قرن بیستم بخشی زیادی از جوامع نامتجانس، چند فرهنگی و متنوع هستند و مجموعه کاملی از تنوع و شکاف فرهنگی و مذهبی را درون خود دارند و همین مسئله ضرورت توجه به تحقق امنیت پایدار را آشکار می‌سازد. آنچه اهمیت شناسایی الگوهای حکمروایی خوب در کلان‌شهرهای چند قومی ایران را دوچندان می‌سازد عدم توجه یا غفلت از توسعه متوازن در کلان‌شهرهای چند قومی است. در برخی از کلانشهرهای چند قومی به دلیل مختصات اقلیمی و درگیر شدن در هشت سال جنگ تحمیلی به عنوان منطقه مرزی و جنگی و فرار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی به مقتضای شرایط جنگی و تداوم تبعات جنگ و رویکردهای امنیتی، فرایند توسعه در ابعاد چهارگانه با دشواری‌ها و مخاطرات جدی روبرو بوده است. برای نمونه، به دلیل ناهماهنگی‌های ساختاری و زوال فرصت‌های کاری و اختلال در گردش نخبگان، وضعیت معیشتی مردم در سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان و شهرهای کردنشین آذربایجان غربی با دشواری‌های جدی روبرو بوده و کسب‌وکارهای ناپایدار و پرمخاطره مرزی به الگوی غالب معیشتی در این مناطق تبدیل شده است (قادرزاده، ۱۴۰۱: ۷). شرایط یادشده حصول به امنیت پایدار را به مخاطره خواهد انداخت.

طبق گزارش سازمان ملل در سال ۱۹۰۰ تنها ۱۰ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند اما در سال ۲۰۰۷ جمعیت شهری جهان به ۵۰ درصد رسید و در سال ۲۰۲۵ حدود ۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان شهرنشین بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰، ۷۵ درصد یعنی ۷ میلیارد نفر در شهرها زندگی خواهند کرد (غفاری گیلانده و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۸). در جهان با توجه به فرایند صنعتی شدن، شهرها با موج جدیدی از مهاجرت روبرو شدند که این عامل موجب بروز تغییراتی در ساختارهای مختلف شهر از جمله ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. ساختار شهرها پس از خیل عظیم مهاجرت، تغییر و تحولات فراوانی را تجربه کرده‌اند و تنوع قومیتی در شهرها ناهمگونی‌هایی را در ساختارهای شهری به همراه داشته است. از سوی دیگر، بر اساس مطالعات مختلف، رقابت‌های قومی و منطقه‌ای در شهرها و مناطقی با تنوع فرهنگی، قومی، مذهبی، زبانی و حتی گویشی یکی از عوامل مهم عدم توسعه این مناطق بوده و به واگرایی فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی آن‌ها دامن زده است. به جای که حتی برخی اعتقاد دارند که قوم-

گرایی و طایفه‌گرایی در توسعه شهرها و مناطق مذکور تاکنون به‌عنوان یک آفت مهلک و مانع توسعه عمل نموده است (کامران و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹۸). در عصر جدید متغیرهای مختلفی می‌توانند امنیت پایدار در کلان‌شهرها را تحت تأثیر قرار دهند که یکی از مهم‌ترین آن متغیرها در اصطلاح به‌عنوان نحوه «حکمرانی» یاد می‌شود. شیوه حکمرانی می‌تواند در تأمین امنیت پایدار کلان‌شهرهای چندقومی یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار هست. کلان‌شهرهای چندقومی امروزی ایران، شهرهایی در حال گذار هستند که همیشه پتانسیل ایجاد بحران‌ها و بی‌نظمی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در خود دارند. تعدد و تنوع قومی در کلان‌شهرهای چندقومی ایران، چالش‌هایی را در قالب تهدید یا فرصت برای حکومت مرکزی و امنیت پایدار کلان‌شهرها به ارمغان آورده است (احمدی و الوند، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

امنیت یک مفهوم چندوجهی و عام است که تمامی شئونات و ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد و با بقای نفس و صیانت و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده هست. به عبارتی حفظ وجود حیات سالم و آرام‌بخش انسان موکول به تأمین همه نیازهای مادی و معنوی وی است که در صورت عدم تأمین یا وجود نقص و تنگنا در تأمین آن، حیات سالم و وجود انسان به چالش کشیده می‌شود و به تهدید روبرو می‌گردد و بلافاصله نیاز به امنیت و مفهوم آن در ارتباط با نیاز یا نیازهایی که با تنگنا روبرو شده در ذهن انسان شکل می‌گیرد (مختاری‌هشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). در دنیای کنونی به‌لحاظ گسترش شهرنشینی و تعاملات ویژه شهروندان با یکدیگر امنیت در شهرها اهمیت خاصی پیدا کرده است و شهر به‌عنوان نماد زندگی جمعی در دنیای کنونی نیازمند نگاه ویژه در مقوله امنیت است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲۶). مفهوم امنیت در شهرها از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر گرفته است. به‌طوری‌که امروزه امنیت در شهرها شامل تمامی مفاهیم اجتماعی و اقتصادی است (سرور، ۱۳۹۳: ۲۸). مهم‌ترین نیاز جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک کشور، تأمین امنیت آن‌ها توسط دولت‌هاست. امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت ابعاد گسترده و پیچیده‌ای به

خود گرفته است. امنیت یکی از اصلی‌ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به‌شمار می‌آید. وجود بی‌عدالتی‌های جغرافیایی و توسعه ناموزون بخش‌های جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحریکات واگرایانه به‌ویژه در مناطق قومی شود که این مسئله تأثیر سوئی بر امنیت و در نتیجه توسعه کشور دارد (جلالیان، ۱۳۹۸: ۶۲).

هر دولت - ملتی به فراخور منابع موجود همواره در پی افزایش قدرت ملی، افزایش ضریب امنیت ملی و توان دفاع ملی خود برای حفظ تمامیت ارضی، استقلال، آزادی و نیل به توسعه، پیشرفت و آبادانی و حصول آسایش و آرامش و نهایتاً امنیت پایدار است. مجموعه این منابع که دامنه آن از جمعیت و جغرافیا تا فرهنگ، سیاست و اقتصاد گسترده است، برای هر کشوری از مهم‌ترین مسائل استراتژیک قلمداد می‌شود. اگرچه بر پایه تعاریف موجود در عرف بین‌الملل، سرزمین، جمعیت و جغرافیا از متغیرهای مؤثر در قدرت ملی هستند اما اقتدار برخی سرزمین‌ها در جهان کنونی که از سه بعد فوق بهره‌چندانی نبرده‌اند نشان می‌دهد با تمام اهمیت این سه بعد، عوامل متعدد دیگری نیز در فضاها، انسان‌ساخت در شکل‌گیری قدرت ملی یک کشور و پایداری امنیت آن نقشی به‌مراتب مهم‌تر ایفا می‌کنند. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده قدرت ملی و پایدارسازی امنیت که در اصطلاح تحلیل - گران از آن به مؤلفه‌های قدرت ملی تعبیر می‌شود را می‌توان در چند حوزه مهم دسته‌بندی کرد. به نظر می‌رسد اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ، فناوری، تجهیزات نظامی، اطلاعات و ... در فهرست این عناصر رتبه‌های برتر را داشته باشند. تقویت قدرت ملی و افزایش ضریب امنیت ملی برای نیل به امنیت پایدار در سایه تعریف درست از چگونگی و کاربست صحیح هر یک از عناصر آن امکان‌پذیر است و یکی از مهم‌ترین وظایف هر نهاد حاکمیتی در کشور، تمرکز بر تبیین، تعریف و اعلام اولویت‌ها، مطلوبیت‌ها، راهکارهای اجرایی و کاربست‌های آن در سیاست‌گذاری‌های کلان است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۱). بر همین اساس، مفهوم امنیت پایدار متضمن یک مفهوم نو در مباحث امنیتی است (علایی، ۱۳۹۱: ۷). در واقع امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که در آن به همه عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی در کنار یکدیگر و در تعامل باهم توجه می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۲). قوم نیز عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص، با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶). به عبارت دیگر قوم به اجتماعی از افراد اطلاق می‌شود

که برای خود سرگذشت تاریخی، سرزمین، آداب و رسوم، زبان و نهادهای فرهنگی مشترکی قائل هستند و در برابر آن‌ها احساس تعهد و وفاداری مشترکی دارند (زارعی، ۱۳۹۸: ۴۹). قومیت در علوم اجتماعی واژه نسبتاً جدیدی است و مفهوم آن نیز همواره با گسترش حیطه مطالعات تغییر یافته است. به نظر آنتونی گیدنز، قومیت مفهومی است که معنای مطلقاً اجتماعی دارد و به رفتارها و چشم‌اندازهای فرهنگی اشاره دارد که سبب تمایز یک اجتماع از دیگران می‌شود. اعضای گروه قومی، خودشان را به لحاظ فرهنگی متمایز از دیگر گروه‌ها در جامعه می‌بینند و خود آن‌ها نیز توسط دیگران متمایز در نظر گرفته می‌شوند. مهم‌ترین خصوصیات قومی که آن‌ها را از دیگران جدا می‌کند زبان، تاریخ، تبار، مذهب، سبک لباس پوشیدن و نوع زینت کردن است. همه این تفاوت‌ها، فرهنگی و آموزشی هستند (احمدی، ۱۳۷۸: ۲۹). اگرچه قومیت و هویت قومی ابتدا در مطالعات انسان‌شناسی به کار رفته اما بعدها در گستره مطالعات جامعه‌شناسی و جغرافیایی نیز قرار گرفت و مطالعات عمیقی در آن صورت گرفت در معنای جدید قومیت باید گفت که در دهه ۶۰ قرن بیستم، قوم و قوم‌گرایی در مقابل مفهوم ملیت قرار می‌گرفتند که تبلوری از دولت ملی بود. به هر صورت، قومیت از سال‌های میانی قرن بیستم به یکی از مفاهیم اصلی در علوم اجتماعی تبدیل شد و تا به امروز به صورت موضوعی اساسی در مطالعات و پژوهش‌های کاربردی باقی مانده است (نقندی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۳). تنوع قومی یک پدیده جهان‌شمول است که بسیاری از کشورهای جهان با این پدیده مواجه هستند و هر یک از کشورها با توجه به ساختار نظامی سیاسی خود اقدام به سیاست‌گذاری برای مدیریت این تنوع قومی نموده‌اند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز جهت مدیریت تنوع قومی سیاست‌های را در نظر گرفته که به همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی و امنیتی توجه ویژه‌ای داشته است (جهانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۳)؛ اما برای تحقق امنیت پایدار و مدیریت تنش به‌ویژه در کلان‌شهرهای چند قومی لزوم توجه ویژه به اجتماع ملی و اصول حکمرانی خوب در کلان‌شهرهای چند قومی احساس می‌شود. اهمیت اجتماع ملی از این جهت است که بدون داشتن یک اجتماع عام، اجرای هیچ‌گونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در راستای توسعه اجتماعی میسر نخواهد بود. زیر هر جریان فکری - سیاسی که مسلط بر عرصه قدرت باشد برای سازمان‌دهی کنش‌های فردی شهروندان به سوی یک هدف جمعی، لاجرم نیازمند عزمی جمعی است که در جهان معاصر عمدتاً از طریق اجتماع عام و هویت ملی و حکمرانی خوب می‌توان

به آن دست یافت. از این منظر برای تحقق امنیت پایدار، حداقل دو چیز لازم است: اتحاد سیاسی و تفاهم فرهنگی میان افرادی که خاستگاه‌های قومی گوناگونی دارند (حاجی‌زاده، ۱۳۹۹: ۷).

در چارچوب نظری این پژوهش، مفهوم «حکمرانی خوب» به عنوان یک پارادایم مدیریت عمومی مورد توجه قرار گرفته است. این مفهوم که از سوی نهادهایی مانند بانک جهانی و برنامه توسعه ملل متحد ترویج شده، به شیوه‌ای از حکمرانی اشاره دارد که در آن فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرا، شفاف، پاسخگو، مشارکت‌جو، مبتنی بر اجماع، عادلانه و کارآمد هستند. شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب شامل مشارکت فعال تمام ذی‌نفعان در فرایندهای تصمیم‌گیری، حاکمیت قانون، شفافیت در جریان اطلاعات، پاسخگویی نهادهای حکومتی، اجماع‌محوری، عدالت و شمولت برای همه گروه‌ها از جمله اقلیت‌های قومی، کارایی و اثربخشی در استفاده از منابع و مسئولیت‌پذیری در قبال نیازهای ذی‌نفعان می‌شود. در این پژوهش، تحقق «امنیت پایدار» در کلان‌شهرهای چندقومی مشروط به وجود حکمرانی خوب در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، فرض بر این است که امنیت پایدار نه یک وضعیت صرفاً امنیتی - پلیسی، بلکه نتیجه طبیعی و برآیند یک فرایند حکمرانی خوب است که در آن عدالت اجتماعی، مشارکت واقعی و اعتماد نهادی وجود دارد. یافته‌های این پژوهش، از جمله لزوم ایجاد تعادل بین حکمرانی، عدالت اجتماعی و مشارکت شهروندی و نیز شناسایی توزیع ناعادلانه منابع به عنوان یک تهدید امنیتی، همگی در چارچوب این پارادایم قابل تحلیل و تفسیر هستند.

در کلان‌شهرهای چندقومی ایران کنونی، در هر دو بعد مسائل و مشکلاتی به چشم می‌خورد. جدول شماره ۱ رویکردهای نظریات مختلف نسبت به مفهوم امنیت پایدار را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۱. امنیت پایدار کلان‌شهرهای چندقومی از منظر نظریات مختلف

مبنا/نظریه	تعریف امنیت پایدار	اهمیت در کلان‌شهرهای چندقومی	چالش‌های خاص
نظریه شبکه‌سیاستی	تعادل پویا بین کنشگران مختلف	مدیریت هوشمند روابط بین‌گروهی و پیشگیری از بحران	پیچیدگی روابط بین‌نهادی
نظریه سرمایه	اعتماد نهادی و	تقویت همبستگی بین قومی و	شکاف بین نسل‌ها در

مبنا/نظریه	تعریف امنیت پایدار	اهمیت در کلان‌شهرهای چندقومی	چالش‌های خاص
اجتماعی	شبکه‌های مشارکت مدنی	کاهش خشونت‌های جمعی	جوامع قومی
نظریه شهر چندفرهنگی	همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های قومی	حفظ هویت‌های فرهنگی در عین وحدت ملی	یکسان‌سازی فرهنگی در مقابل تنوع فرهنگی
نظریه عدالت فضایی	توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها	کاهش محرومیت‌های منطقه‌ای و قومی	تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها
نظریه امنیت انسانی	تأمین امنیت جامع (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی)	مقابله با رادیکالیسم ناشی از ناامنی‌های چندبعدی	امنیت‌گرایی مفرط در مقابل آزادی‌های مدنی

پیشینه پژوهش

در مورد قومیت و قوم‌گرایی و رابطه آن‌ها با امنیت ملی، هویت ملی و همبستگی ملی و سایر موضوعات شبیه به آن تاکنون مطالعات مختلف و بسیار زیادی در ایران صورت گرفته است. محوریت اکثر این مطالعات همان‌گونه که انتظار می‌رود تکیه بر کلیدواژه قومیت و امنیت است؛ اما هنگام تمرکز بر روی کلان‌شهرهای چندقومی و رابطه آن با نحوه حکمرانی خوب و امنیت پایدار مشخص می‌شود که مطالعات چندانی در این زمینه صورت نگرفته است. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در ایران بیشترین نزدیکی را با موضوع مورد مطالعه این پژوهش دارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

رمضان‌زاده و بهمنی قاجار (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت‌عنوان «هویت ایرانی و چندگانگی قومی»، در پی آن بوده‌اند که در کنار بررسی تبلیغات قوم‌گرایان ایران، به واقعیت‌های پیرامونی قومیت‌های ایرانی بپردازند و ضمن ارائه تعریفی فراگیر از هویت ایرانی، چگونگی همبستگی ملی ایرانیان را مورد بررسی قرار دهند.

زمانی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تکثرگرایی قومی راهی برای ایجاد وحدت و همبستگی ملی و اعتدال‌گرایی» به این نتیجه رسیده که تکثر قومی هرگز مانعی در برابر وحدت ملی و

همبستگی اقوام در سرزمین ایران نبوده است و به عکس این قضیه به عنوان راهی برای وحدت و همبستگی اقوام به ویژه در ایران منجر شده است.

عسگری و همکاران (۱۳۹۹) در یک مطالعه با عنوان «ژئوپلیتیک قومیت‌ها در تحولات ژئوپلیتیکی همگرایی و واگرایی غرب آسیا» به این نتیجه رسیده‌اند که اصول حاکم بر سیاست قومی در ایران باید منتهی به تقویت اشتراکات و تلاش برای نزدیکی اقوام باشد.

حسنی فر و عباس‌زاده (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «فضای مجازی، چالش هویت‌جویی قومی و راهکارهای پیش‌روی دولت جمهوری اسلامی»، به این نتیجه رسیده‌اند که فضای مجازی و رشد و گسترش آن در کشور از مهم‌ترین عوامل بروز چالش ناشی از تشدید هویت‌جویی قومی است.

موسوی‌سرشت و بابایی فرد (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در میان مردم عرب خوزستان»، به این نتیجه رسیده‌اند که ضعف کارکردی نهادهای مدنی، کاهش سیطره فرهنگی حکومت مرکزی، توریسم فرهنگی، احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت فرهنگی قومی از مهم‌ترین متغیرهای بازآفرینی هویت قومی در میان مردم عرب استان خوزستان است.

قادرزاده (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مشکل همبستگی در جامعه چندقومی ایران»، به این نتیجه رسیده است که مختصات همبستگی در جامعه ایران، بر ساخت زمینه‌ها و شرایط ساختاری است و اصلی‌ترین زمینه‌ای که بایستی در آن مسئله همبستگی در ایران پی‌ریزی شود پایایی و مانایی تنوع فرهنگی است.

باقری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «الگوسازی ساختاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر همگرایی بین قومی در شهر اهواز» به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، سرمایه فرهنگی، گرایش به قانون‌گرایی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و کاهش میزان قوم‌گرایی در میان پاسخگویان می‌توان میزان همگرایی بین قومی را در میان پاسخگویان افزایش داد.

در یکی از معدود مطالعاتی که به موضوع این پژوهش نزدیک است، کامران و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین عوامل تأثیرگذار در پیدایش و تکوین محلات شهری چند قومیتی در شهر دوگنبدان»، به این نتیجه رسیده‌اند که در پیدایش و تکوین محلات شهر دوگنبدان تفاوت‌های مکانی منابع اقتصادی و ثروتی در کشور موجب اختلاف در چشم‌اندازهای شهری شده است.

شهبازی (۱۳۹۸) نیز در پژوهش دیگری با عنوان قومیت، جنسیت و عملکرد فضاهاى شهری در شهرهای چندقومی « که ارتباط نزدیکی با موضوع پژوهش حاضر دارد به این نتیجه رسیده است که عملکرد فضاهاى شهری زاهدان به صورت معناداری پایین است و جنسیت شهروندان نیز بر استفاده آن‌ها از فضاهاى شهری دارای اثر بازدارنده و معنی‌دار است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از مدل شبکه‌های سیاستی به عنوان مدل تحقیق استفاده شده است. این مدل به تحلیل تعاملات میان بازیگران مختلف می‌پردازد و نقش هر بازیگر و قدرت نسبی و میزان تأثیرگذاری آن بر سیاست‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف این پژوهش در استفاده از این مدل، شناسایی بازیگران اصلی درگیر در تحقق امنیت پایدار کلان‌شهرهای چندقومی ایران، تحلیل تعاملات موجود بین آن‌ها و بررسی تأثیرات این تعاملات بر سیاست‌های قومی و فرهنگی است. مدل شبکه‌های سیاستی می‌تواند به درک ساختار قدرت و نفوذ بازیگران موجود در مجموعه کلان‌شهرهای چندقومی ایران و پی بردن به شکاف‌ها یا تضادهای احتمالی موجود در این شبکه کمک کند؛ بنابراین مراحل انجام تحقیق در چهار مرحله به شرح الف) شناسایی بازیگران اصلی شامل نهادهای دولتی؛ ب) جمع‌آوری داده‌ها و مطالعه اسناد و گزارش‌ها؛ ج) ترسیم شبکه سیاستی با استفاده از نرم‌افزار گفنی^۱ و در نهایت د) با استفاده از شاخص‌های تحلیل شبکه (مانند مرکزیت، تراکم و گروه‌بندی)، تحلیل شبکه انجام خواهد شد. این نوع تحلیل کمک می‌کند تا قدرت نسبی بازیگران، نقش واسطه‌ای آن‌ها و شکاف‌های موجود در شبکه شناسایی شوند.

برای بازیگران دولتی معیار اصلی شناسایی، «حضور در اسناد رسمی حکومتی» شامل قوانین مصوب مجلس (مانند قانون تشکیلات وزارت کشور)، دستورالعمل‌های شورای عالی امنیت ملی و اساسنامه‌های نهادهای محلی (مانند آیین‌نامه‌های استانداری‌ها) بوده است. برای بازیگران غیردولتی، از «معیارهای ترکیبی» استفاده شد: ۱) ثبت رسمی در نهادهای دولتی (برای سمن‌ها)، ۲) ذکر در گزارش‌های امنیتی رسمی (برای گروه‌های قومی)، ۳) تأثیرگذاری مستند در رسانه‌های معتبر (برای رهبران محلی)، و ۴) سطح فعالیت در فضای مجازی. برای بازیگران بین‌المللی، ملاک «تعامل رسمی با ایران» (برای نهادهای بین‌المللی) یا «میزان تأثیرگذاری بر افکار عمومی قومیت‌ها»

(برای دیاسپورا) بر اساس گزارش‌های وزارت خارجه و تحلیل محتوای رسانه‌های خارجی بوده است. فرایند شناسایی در سه مرحله انجام شد: ۱) غربالگری اولیه براساس منابع مکتوب (اسناد، قوانین، گزارش‌های رسمی)، ۲) اعتبارسنجی از طریق روش سه‌سوسازی (مقایسه منابع دولتی، پژوهش‌های دانشگاهی و داده‌های رسانه‌ای)؛ منبع سه‌سوسازی: برای هر بازیگر غیردولتی شناسایی شده، وجود و نقش آن حداقل از طریق سه منبع مستقل تأیید شد. برای مثال، وجود و فعالیت یک «شبکه قومی سازمان‌یافته» در اهواز، هم‌زمان در گزارش‌های مرکز تحقیقات استانداری خوزستان (منبع دولتی)، مقاله‌ای علمی-پژوهشی با موضوع کنش جمعی در خوزستان (منبع دانشگاهی) و گزارش‌های خبری خبرگزاری ایسنا منطقه خوزستان (منبع رسانه‌ای) مورد اشاره قرار گرفته بود. تنها بازیگرانی در فهرست نهایی گنجانده شدند که در دست کم دو منبع از این سه دسته، حضور و تأثیرگذاری آن‌ها مستند شده بود؛ و ۳) رتبه‌بندی نهایی بر مبنای «تکرارپذیری» و «سطح تأثیرگذاری». برای افزایش دقت، از «ماتریس ارزیابی چهاربعدی» شامل: ۱) سطح رسمی بودن، ۲) دامنه جغرافیایی تأثیر، ۳) فراوانی کنش‌ها، و ۴) شدت تأثیر استفاده شد. به‌عنوان مثال، یک گروه قومی تنها در صورتی در دسته‌بندی قرار گرفت که: الف) در گزارش‌های خبری رسمی ذکر شده باشد، ب) حداقل پنج کنش جمعی در ده سال اخیر داشته باشد، و ج) منجر به صدور دستورالعمل‌های امنیتی محلی شده باشد. برای بازیگران بین‌المللی نیز معیار «واکنش رسمی دولت ایران» (مانند اعلام‌نامه‌های وزارت خارجه) به‌عنوان شاخص نهایی تأثیرگذاری در نظر گرفته شد.

جدول ۲. طبقه‌بندی بازیگران مؤثر بر امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چندقومی ایران

منابع استناد	معیارهای شناسایی	نمونه‌های شاخص	زیرگروه	رده بازیگر
قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام اساسنامه‌های شهرداری، قوانین برنامه‌ریزی شهری	ذکر در اسناد بالادستی امنیت ملی، بودجه و اختیارات قانونی، مسئولیت رسمی در مدیریت شهری، مصوبات شورای عالی شهرسازی	وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی شهرداری‌ها، استانداری‌ها	نهادهای امنیتی نهادهای مدیریت شهری	دولتی

منابع استناد	معیارهای شناسایی	نمونه‌های شاخص	زیرگروه	رده بازیگر
گزارش‌های خبرگزاری‌های رسمی، پژوهش‌های دانشگاهی	ثبت رسمی، مشارکت در برنامه‌های شهری، تأثیرگذاری بر افکار عمومی، سازماندهی مراسم ثبت‌شده	انجمن‌های محلی، احزاب محلی، رهبران محلی، هیئت‌های مذهبی، تشکل‌های قومی	نهادهای مدنی، گروه‌های مذهبی/قومی	غیردولتی
وب‌سایت‌های رسمی سازمان‌ها	اظهارنظر در امور کلان‌شهرهای چندقومی	حقوق بشر	سازمان‌های بین‌المللی	بین‌المللی

یافته‌های پژوهش

شناسایی بازیگران اصلی موجود در شبکه سیاستی

بازیگران تأثیرگذار در تحقق امنیت پایدار کلان‌شهرهای چندقومی ایران را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی به سه گروه: بازیگران دولتی، بازیگران غیردولتی و بازیگران بین‌المللی تقسیم کرد. گروه بازیگران دولتی را می‌توان به سه دسته شامل دولت مرکزی: شامل وزارت کشور (سیاست‌های امنیتی و قومی)، وزارت اطلاعات (مدیریت بحران‌های امنیتی)، شورای عالی امنیت ملی (خط‌مشی‌های کلان)، نهادهای محلی شامل: استانداری‌ها و فرمانداری‌ها، شورای شهر و شهرداری، نیروی انتظامی و قوه قضاییه (دادگستری استان‌ها: برخورد با جرائم قوم‌محور) تقسیم‌بندی کرد. سطح بازیگران غیردولتی به گروه‌های قومی و مذهبی شامل رهبران محلی قومی، احزاب و تشکل‌های سیاسی محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای میانجی‌گر در حل تعارضات و رسانه‌ها و فضای مجازی قابل دسته‌بندی است. در سطح بازیگران بین‌المللی و فراملی می‌توان به بازیگرانی شامل نهادهای بین‌المللی (کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل)، دیاسپورای ایرانی (گروه‌های قومی خارج از ایران) و دولت‌های خارجی همسایه اشاره کرد. چگونگی و نحوه تعاملات این بازیگران بر کیفیت امنیت در کلان‌شهرهای چندقومی ایران تأثیرگذاری مستقیم دارد. جدول ۳

برخی از مهم‌ترین کنش‌های امنیتی بازیگران غیردولتی در کلان‌شهرهای چندقومی ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۳. بازیگران غیردولتی شاخص موجود در شبکه سیاستی کلان‌شهرهای ایران و کنش‌های امنیتی آنها

کلان‌شهر	بازیگران غیردولتی شاخص	ماهیت کنش‌های امنیتی	شدت تأثیر
تهران	-جمعه اعتراضی تحریک شده -هسته‌های دانشجویی رادیکال -حلقه‌های حقوق بشری	-اعتراضات خودانگیخته با محوریت معیشت -کنش‌های نمادین در فضای مجازی -سازمان‌دهی اعتراضات زنجیره‌ای	متوسط تا بالا
مشهد	-گروه‌های مذهبی تندرو -اتحادیه‌های سنتی بازار -گرایش‌های قومی محله‌ای	-تحركات مذهبی - سیاسی ترکیبی -مقاومت منفعلانه در برابر سیاست‌ها - بسیج احساسات جمعی	متوسط
اهواز	-شبکه‌های قومی سازمان‌یافته -هسته‌های کارگری متحد -گروه‌های زیست‌محیطی فعال	اعتراضات ساختاریافته قومی-صنفي -کنش‌های نمادینی با بار نمادین -ائتلاف‌های موقت موضوعی	بالا
تبریز	-حلقه‌های فرهنگی -ناسیونالیستی -شبکه‌های غیررسمی بازار -گروه‌های دانشجویی محلی	کنش‌های نمادین هویتی -مقاومت فرهنگی سازمان‌یافته -اعتراضات چرخه‌ای اقتصادی	متوسط
کرمانشاه	-شبکه‌های زیرزمینی قومی -گروه‌های زنان پیشرو -حلقه‌های مذهبی غیررسمی	کنش‌های اعتراضی ترکیبی -نافرمانی مدنی خلاقانه -مقاومت مسلحانه محدود	بالا
زاهدان	-ساختارهای قبیله‌ای -سازمان‌یافته -نهادهای دینی موازی -شبکه‌های جوانان محله‌ای	-مقاومت نظام‌یافته -کنش‌های تلافی‌جویانه -خودسازماندهی امنیتی	بسیار بالا
ارومیه	-گروه‌های زیست‌بومی فعال -شبکه‌های فرهنگی زیرزمینی -اتحادیه‌های غیررسمی معلمان	-اعتراضات زیست‌محیطی نمادین -مقاومت فرهنگی خاموش -کنش‌های صنفی متمرکز	متوسط

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود شبکه‌سیاستی بازیگران غیردولتی کلان‌شهرهای چندقومی ایران الگویی پیچیده و چندمحوری را نشان می‌دهد. از نظر ساختاری، در این شبکه تهران با شبکه‌های افقی و خودجوش، زاهدان با سازمان‌یافتگی سلسله‌مراتبی و تبریز با خوشه‌بندی مناسب‌محور قابل تمایز هستند. از نظر منطق بازیگری، سه گفتمان معیشتی - اقتصادی، هویتی - نمادین و وجودی - دفاعی قابل تشخیص است که هر کدام بازتابی از بافت اجتماعی خاص مناطق مزبور هستند. تفاوت موجود میان شبکه بازیگران هر کدام از این کلان‌شهرها بازتاب ویژگی‌های متمایزکننده هر منطقه و تلفیقی از عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. به‌عنوان مثال در مشهد شاهد ترکیب منحصربه‌فرد گفتمان مذهبی با مطالبات محلی هستیم درحالی‌که در ارومیه پیوند نوینی بین مسائل زیست‌محیطی و هویت محلی شکل گرفته است. مطالعه تطبیقی مکانیسم‌های پاسخ دولتی به این کنش‌هاست که می‌تواند الگوهای پیچیده‌تر تعامل بین نهادهای رسمی و بازیگران غیردولتی را آشکار کند.

تعیین ارتباطات و تعاملات بین بازیگران

تحلیل ارتباطات و تعاملات بین بازیگران موجود در شبکه‌سیاستی کلان‌شهرهای چندقومی ایران نشان‌دهنده یک سیستم پیچیده و پویا از روابط قدرت، همکاری‌ها، تعارضات و مبادلات است که امنیت پایدار این مناطق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شبکه، بازیگران دولتی مانند وزارت کشور، استانداری‌ها، نیروی انتظامی و شورای عالی امنیت ملی به عنوان بازیگران اصلی و دارای بیشترین منابع قدرت و نفوذ عمل می‌کنند. این نهادها از طریق سیاست‌گذاری‌های کلان، تخصیص بودجه و اجرای قوانین، چارچوب اصلی امنیت در کلان‌شهرها را تعیین می‌کنند. در مقابل، بازیگران غیردولتی شامل رهبران محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌های محلی و گروه‌های قومی نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان امنیتی و بسیج افکار عمومی ایفا می‌نمایند. تعامل بین این دو گروه غالباً ماهیتی دوگانه دارد؛ از یک‌سو همکاری‌های محدود و مقطعی مانند مشارکت رهبران قومی در برنامه‌های پیشگیری از ناآرامی‌ها یا همکاری سازمان‌های غیردولتی با نهادهای دولتی در پروژه‌های اجتماعی وجود دارد و از سوی دیگر تعارضات ساختاری ناشی از تفاوت در دیدگاه‌ها و منافع مشهود است.

در برخی از کلان‌شهرهای چندقومی، به دلیل مختصات اقلیمی و درگیر شدن در هشت‌سال جنگ تحمیلی به‌عنوان منطقه مرزی و جنگی و فرار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی و به متقاضی شرایط جنگی و تداوم تبعات جنگ و رویکردهای امنیتی، فرایند توسعه با دشواری‌ها و مخاطرات جدی روبرو بوده است. برای نمونه، به دلیل ناهماهنگی‌های ساختاری و زوال فرصت‌های کاری و اختلال در گردش نخبگان، وضعیت معیشتی مردم در سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان و شهرهای کردنشین آذربایجان غربی با دشواری‌های جدی روبرو بوده و کسب و کارهای ناپایدار و پرمخاطره مرزی به الگوی غالب معیشتی در این مناطق تبدیل شده است (قادرزاده، ۱۴۰۱: ۷). شرایط یادشده زمینه همگرایی و همبستگی را دشوار نموده و به فراخور آن می‌تواند نارضایتی از دولت، بیگانگی با هویت ایرانی و هویت یکپارچه قومی را در نزد برخی اقوام در پی داشته باشد (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۳) و درنهایت زمینه‌های تحقق امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چندقومی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

به‌عنوان مثال، سیاست‌های یکسان‌سازی فرهنگی دولت مرکزی ممکن است با خواسته‌های هویتی گروه‌های قومی در تضاد باشد و به بی‌اعتمادی بین طرفین منجر شود. در این میان، نیروی انتظامی به‌عنوان بازیگری کلیدی هم با نهادهای دولت مرکزی و هم با جامعه محلی در تعامل است و عملکرد آن می‌تواند هم موجب تشدید تنش‌ها و هم تسهیل گفتگوها شود. رسانه‌های محلی و فضای مجازی نیز با تولید و انتشار اطلاعات، نقش واسطه‌ای در شکل‌دهی به روابط بین بازیگران ایفا می‌کنند و گاهی با دامن زدن به شایعات یا انتشار اخبار تحریک‌آمیز، تعارضات را تشدید می‌نمایند. بازیگران بین‌المللی و دیاسپورا نیز از طریق تأثیرگذاری بر گفتمان‌های داخلی و ایجاد ارتباط با گروه‌های قومی، به این شبکه پیچیده بعدی فراملی می‌بخشند. مروری بر ناآرامی‌های قومی در چهار دهه گذشته در برخی مناطق قومی ایران این ذهنیت را تقویت می‌نماید که هنوز محرک‌ها و لوازم ساختاری برجسته شدن نشانگرهای هویتی و فعال شدن شکاف‌های قومی به قوت خود باقی است (قادرزاده، ۱۴۰۱: ۱۸).

تعاملات اقتصادی نیز بخش مهمی از این روابط را تشکیل می‌دهد؛ تخصیص ناعادلانه منابع اقتصادی بین گروه‌های قومی مختلف می‌تواند به نارضایتی و احساس تبعیض دامن بزند، درحالی‌که برنامه‌های توسعه متوازن و عادلانه ممکن است به کاهش تنش‌ها کمک کند. در سطح محلی، هیئت-

های مذهبی و نهادهای سنتی گاهی پلی بین دولت و مردم ایجاد می‌کنند، اما وابستگی برخی از این نهادها به دولت، اعتماد جامعه محلی به آن‌ها را ممکن است کاهش دهد. بر اساس آنچه گفته شد، شبکه سیاستی در کلان‌شهرهای چندقومی ایران دائماً در حال تغییر است و بحران‌های دوره‌ای، تغییرات سیاسی و تحولات اجتماعی بر روابط بین بازیگران تأثیر می‌گذارد. برای درک کامل این شبکه باید به قدرت نسبی هر بازیگر، منابع در دسترس آنها، تاریخچه روابط بین آن‌ها و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر کلان‌شهرها توجه کرد. در نهایت، تأمین امنیت پایدار در این مناطق مستلزم ایجاد مکانیسم‌های نهادی برای تسهیل گفتگوی مستمر بین تمام ذینفعان، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و توزیع عادلانه منابع است. این امر تنها از طریق شناخت عمیق روابط پیچیده بین بازیگران و طراحی سیاست‌های منعطف و مشارکتی ممکن خواهد بود.

تحلیل تطبیقی الگوهای کنشگری در کلان‌شهرهای منتخب

بررسی تطبیقی الگوهای کنشگری در کلان‌شهرهای چندقومی ایران نشان‌دهنده تنوع چشمگیر در سازوکارهای تعامل بین بازیگران دولتی و غیردولتی است. این تفاوت‌ها ریشه در تاریخچه سیاسی، بافت اجتماعی-اقتصادی و روابط خاص هر منطقه با مرکز دارد.

الگوی مشهد: کنشگری نهادینه شده از مجرای نهادهای مذهبی - مدنی

در مشهد، کنشگری غیردولتی عمدتاً از طریق نهادهای مذهبی و اتحادیه‌های سنتی کانالیزه می‌شود. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، بیش از ۷۰ درصد از برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی کلان‌شهر مشهد با مشارکت هیئت‌های مذهبی و اصناف اجرا می‌شود. این امر نشان‌دهنده درجه بالای نهادینه شدن کنشگری در این شهر است. به عبارت دیگر، این نهادها به‌عنوان سازمان‌های واسط عمل می‌کنند که هم خواسته‌های جامعه محلی را جمع‌بندی و به حاکمیت منتقل می‌کنند و هم سیاست‌های کلان را در جامعه محلی ترویج می‌دهند. مطالعه کلهر و همکاران (۱۴۰۰) نیز بر این یافته مهر تأیید می‌زند و نشان می‌دهد که شبکه‌های مذهبی در مشهد، با برخورداری از سرمایه اجتماعی بالا، نقش کاتالیزور در کاهش تنش‌های قومی و مذهبی ایفا کرده‌اند.

الگوی تبریز: کنشگری نمادین و فرهنگی با محوریت مسائل هویتی

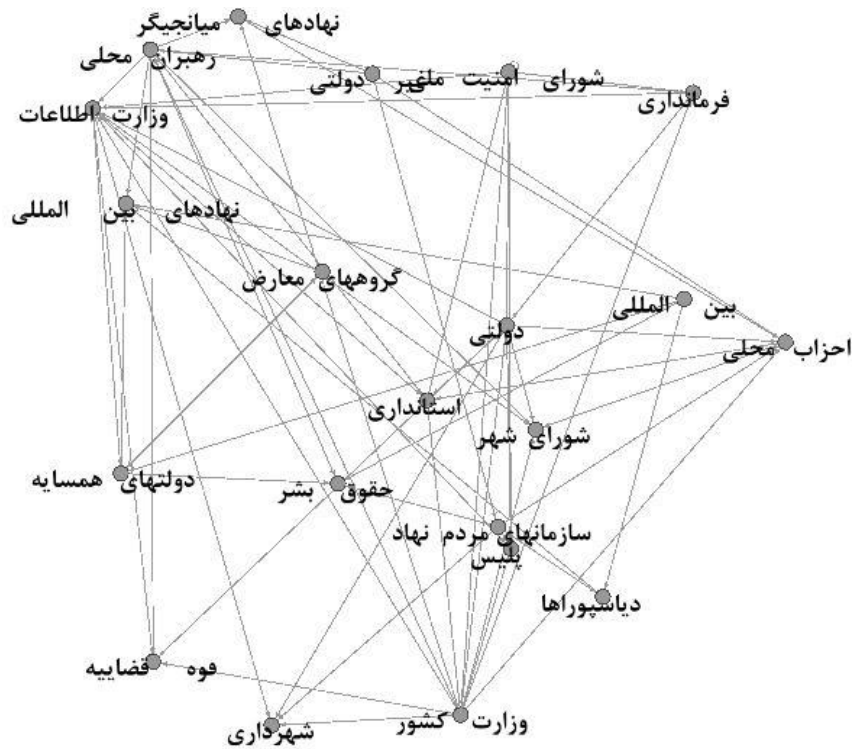
کنشگری در تبریز عمدتاً حول محور مسائل هویتی و فرهنگی شکل می‌گیرد. بر اساس مرور رسانه‌ها، بخش زیادی از تحرکات اجتماعی ثبت شده در تبریز، مرتبط با موضوعات زیست‌محیطی (مانند احیای دریاچه ارومیه) و رویدادهای فرهنگی (مانند بزرگداشت مفاخر ادبی) بوده است. این امر حاکی از غلبه کنشگری نمادین و مسالمت‌آمیز در این کلان‌شهر است. مطالعه قاسمی (۱۳۸۶) این یافته را تأیید کرده و نشان می‌دهد که کنشگری در تبریز عمدتاً ماهیتی فرهنگی-نمادین دارد و کمتر به سمت تقابل سیاسی مستقیم گرایش پیدا می‌کند.

الگوی زاهدان: کنشگری تقابلی و خودسازمان‌ده بر پایه ساختارهای قبیله‌ای

در مقابل، الگوی کنشگری در زاهدان از درجه بالایی از خودسازمان‌دهی بر پایه ساختارهای قبیله‌ای و نهادهای دینی موازی برخوردار است. در این کلانشهر «وجود ساختارهای موازی قبیله‌ای» و نقش آن در سازمان‌دهی کنش‌های جمعی مشاهده می‌شود. مرور حوادث امنیتی در این منطقه حاکی از آن است که در پنج سال گذشته، شمار درگیری‌های مسلحانه محدود در این استان روند صعودی داشته است. این امر نشان‌دهنده شکاف عمیق‌تر بین نهادهای دولتی و کنشگران غیردولتی و تمایل به کنشگری تقابلی در این منطقه است. مطالعه اصغری و محموداوغلی (۱۳۹۷) نیز بر این یافته مهر تأیید زده و نشان می‌دهد که احساس تبعیض ساختاری و محرومیت نسبی، به شکل‌گیری الگوی کنشگری تقابلی در زاهدان دامن زده است.

ترسیم شبکه سیاستی

شبکه سیاستی کلان‌شهرهای چندقومی ایران که با استفاده از نرم‌افزار طراحی شده از ۲۱ گره و ۶۳ پیوند تشکیل گردیده که در شکل ۱ قابل مشاهده است. در این شبکه با توجه به تعداد پیوندها می‌توان گفت در دسته بازیگران دولتی، شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی و وزارت کشور از بیشترین تعداد پیوند برخوردار هستند. در دسته بازیگران غیردولتی، رهبران محلی از بیشترین تعداد پیوند با سایر بازیگران موجود در شبکه سیاستی برخوردار می‌باشند. سرانجام در گروه بازیگران بین‌المللی، دولت‌های همسایه بیشترین تأثیرگذاری را در مدل شبکه سیاستی کلان‌شهرهای چندقومی به خود اختصاص می‌دهند.



شکل ۱. شبکه سیاسی کلان‌شهرهای چندقومی ایران

تحلیل شبکه

در این چارچوب، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد بازیگران اصلی شامل نهادهای دولتی مانند وزارت کشور، استانداری‌ها، نیروی انتظامی و شورای عالی امنیت ملی به‌عنوان هسته مرکزی شبکه عمل می‌کنند که دارای بیشترین میزان قدرت و نفوذ در تصمیم‌گیری‌های کلان هستند. این نهادها از طریق مکانیسم‌های رسمی مانند سیاست‌گذاری، تخصیص بودجه و اجرای قوانین، چارچوب اصلی امنیت و مدیریت شهری را تعیین می‌نمایند. در مقابل، بازیگران غیردولتی شامل رهبران محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌های محلی و گروه‌های قومی به‌عنوان گره‌های پیرامونی اما تأثیرگذار در شبکه ظاهر می‌شوند که از طریق بسیج اجتماعی، تولید گفتمان و اعمال فشار بر نهادهای مرکزی سعی در تعدیل سیاست‌ها دارند. تحلیل کمی این شبکه با استفاده از شاخص‌هایی

مانند تراکم شبکه، مرکزیت و درجه انسجام انجام می‌شود که نشان می‌دهد چگونه اطلاعات و قدرت بین بازیگران توزیع شده است. به عنوان مثال، شاخص مرکزیت بینی تازی نشان می‌دهد که برخی نهادهای دولتی مانند وزارت کشور به عنوان واسطه‌های اصلی در جریان اطلاعات عمل می‌کنند و کنترل قابل توجهی بر ارتباطات بین سایر بازیگران دارند. از سوی دیگر، شاخص مرکزیت درجه‌ای بیانگر آن است که برخی رهبران محلی و رسانه‌های محلی با وجود قرار گرفتن در حاشیه شبکه، دارای ارتباطات گسترده‌ای با سایر بازیگران هستند و می‌توانند نقش کاتالیزور در انتشار اطلاعات یا بسیج اجتماعی ایفا کنند.

طبق پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته (نواح و خیری، ۱۳۹۵؛ سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳؛ سیدامامی، ۱۳۸۵) در کلان‌شهرهای چندقومی ایران، اعتماد اجتماعی عمدتاً محدود و محصور در شبکه‌های خویشاوندی، قومی و مذهبی است و اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی به دلیل سیطره نظم انتظامی شدت قابل توجهی ندارد. شدت روابط و اعتماد درون قومی نشان از این واقعیت دارد که هنوز اجتماع قومی مهم‌ترین منبع انسجام اجتماعی محسوب می‌شود و روابط فکری و عاطفی افراد بدان معطوف است.

تحلیل خوشه‌بندی شبکه نیز نشان‌دهنده وجود زیرگروه‌های همبسته در شبکه است که معمولاً بر اساس اشتراکات قومی، منافع مشترک یا وابستگی‌های نهادی شکل گرفته‌اند. به عنوان مثال، یک خوشه ممکن است شامل نهادهای امنیتی محلی، فرمانداری و بخشی از شورای شهر باشد که دیدگاه‌های مشترکی در مورد مدیریت امنیت شهری دارند، در حالی که خوشه دیگر متشکل از سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری، فعالان قومی و برخی رسانه‌های محلی است که گفت‌وگوهای متفاوتی را دنبال می‌کنند. وجود این خوشه‌ها گاهی منجر به شکل‌گیری «اتصال‌های ساختاری» می‌شود که در آن برخی بازیگران خاص به عنوان پل ارتباطی بین خوشه‌های مختلف عمل می‌کنند و امکان جریان اطلاعات بین گروه‌های متفاوت را فراهم می‌سازند. در شبکه سیاستی کلان‌شهرهای ایران، این نقش واسطه‌ای معمولاً بر عهده نهادهایی مانند استانداری‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد خاصی است که مورد اعتماد نسبی هر دو طرف هستند. تحلیل مسیرهای تأثیرگذاری در شبکه نشان می‌دهد که چگونه تصمیمات و سیاست‌ها از سطح مرکزی به پیرامون منتقل می‌شوند و بالعکس، چگونه فشارهای اجتماعی از سطح محلی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های مرکزی تأثیر بگذارد. در این میان، وجود

«حلقه‌های بازخورد» مثبت و منفی باعث تقویت یا تضعیف برخی سیاست‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال، اجرای یک طرح امنیتی ممکن است در ابتدا از مرکز به پیرامون ابلاغ شود، اما واکنش‌های جامعه محلی و گزارش‌های رسانه‌ای می‌تواند منجر به بازنگری در آن شود. تحلیل مقاومت شبکه در برابر تغییرات نیز از دیگر جنبه‌های مهم است که نشان می‌دهد چگونه ساختار موجود روابط در برابر اصلاحات مقاومت می‌کند. در بسیاری از موارد، وجود روابط عمیق و نهادینه‌شده بین نهادهای امنیتی و برخی گروه‌های ذینفع محلی باعث می‌شود تغییر در الگوهای موجود به‌سختی صورت پذیرد. از سوی دیگر، تحلیل نقش رسانه‌ها و فضای مجازی به‌عنوان بازیگران نوظهور در شبکه نشان می‌دهد که این نهادها چگونه می‌توانند با ایجاد مسیرهای ارتباطی موازی، ساختار سنتی قدرت را تحت تأثیر قرار دهند. درنهایت، تحلیل پویایی‌های زمانی شبکه حائز اهمیت است چراکه روابط و قدرت بازیگران در طول زمان و در پاسخ به بحران‌ها، تغییرات سیاسی و تحولات اجتماعی دگرگون می‌شود. تحلیل پویایی‌های زمانی نشان می‌دهد که چگونه برخی بازیگران در دوره‌های خاصی اهمیت بیشتری می‌یابند و برخی دیگر به حاشیه رانده می‌شوند. برای نمونه، در دوره‌های تنش‌های قومی، نقش رهبران محلی و نهادهای میانجی افزایش می‌یابد، درحالی‌که در دوره‌های ثبات، نهادهای رسمی دولتی کنترل بیشتری بر شبکه اعمال می‌کنند. درک این پویایی‌ها برای طراحی سیاست‌های مؤثر و انعطاف‌پذیر ضروری است؛ بنابراین، تحلیل شبکه سیاستی در کلان‌شهرهای چندقومی ایران نه تنها ساختار رسمی قدرت، بلکه روابط غیررسمی، اتحادهای پنهان و کانال‌های غیرمستقیم تأثیرگذاری را نیز آشکار می‌سازد و به درک بهتری از چگونگی شکل‌گیری، تداوم یا تغییر سیاست‌های امنیتی و شهری منجر می‌شود. این تحلیل به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا نقاط اهرمی برای اثرگذاری، موانع تغییر و فرصت‌های اصلاحی را شناسایی کنند و درنهایت به سمت ایجاد الگوهای پایدارتر مدیریت شهری و امنیتی گام بردارند.

جدول ۴. مقادیر شاخص‌های کلیدی تحلیل شبکه برای بازیگران مؤثر بر امنیت پایدار

مرکزیت نزدیکی	مرکزیت بین‌نگی	درجه	نام بازیگر	رده بازیگر
۰,۸۵	۰,۳۲	۱۹	شورای عالی امنیت ملی	دولتی
۰,۸۲	۰,۲۸	۱۸	وزارت کشور	
۰,۸۰	۰,۲۵	۱۷	وزارت اطلاعات	

مرکزیت نزدیکی	مرکزیت بین‌نگی	درجه	نام بازیگر	رده بازیگر
۰,۷۸	۰,۲۲	۱۶	نیروی انتظامی	
۰,۷۰	۰,۱۸	۱۴	استاندارهای	
۰,۶۸	۰,۱۵	۱۳	قوه قضائیه (دادگستری استان‌ها)	
۰,۶۵	۰,۱۲	۱۲	شهرداری‌ها	
۰,۷۵	۰,۲۰	۱۵	رهبران محلی قومی	غیردولتی
۰,۶۲	۰,۱۰	۱۱	احزاب و تشکل‌های سیاسی محلی	
۰,۶۰	۰,۰۸	۱۰	سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)	
۰,۷۲	۰,۱۶	۱۴	رسانه‌های محلی و فضای مجازی	
۰,۵۸	۰,۰۷	۹	هیئت‌های مذهبی	بین‌المللی
۰,۵۵	۰,۰۶	۸	دولت‌های همسایه	
۰,۵۰	۰,۰۴	۷	دیاسپورای ایرانی	
۰,۴۵	۰,۰۳	۶	نهادهای بین‌المللی	

** اعداد فوق بر اساس خروجی نرم‌افزار گنی و تحلیل ماتریس همکاری - تعارض بین ۲۱ گره (بازیگر) اصلی محاسبه شده است. مقادیر نرمال‌سازی شده‌اند و دامنه آن‌ها بین ۰ تا ۱ است.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، داده‌های کمی به‌وضوح ساختار سلسله‌مراتبی و نقش‌های کلیدی در شبکه سیاستی را نشان می‌دهند. شورای عالی امنیت ملی با دارا بودن بالاترین مقادیر در هر سه شاخص (به‌ویژه مرکزیت بین‌نگی ۰/۳۲)، نقش قطب اصلی و کنترل‌کننده جریان اطلاعات را ایفا می‌کند. این نهاد در کوتاه‌ترین فاصله (مرکزیت نزدیکی ۰/۸۵) به تمامی بازیگران شبکه دسترسی دارد. نکته جالب توجه، موقعیت قوی رهبران محلی قومی است که با درجه ۱۵ و مرکزیت بین‌نگی ۰/۲۰، پس از نهادهای حاکمیتی مرکزی، به‌عنوان موثرترین بازیگر غیردولتی و پل ارتباطی اصلی بین دولت و جامعه محلی عمل می‌کنند. از سوی دیگر، رسانه‌های محلی و فضای مجازی با درجه ۱۴، از نظر تعداد ارتباطات، بازیگری بسیار فعال هستند، اما مرکزیت بین‌نگی نسبتاً پایین‌تر آن‌ها (۰/۱۶) نشان می‌دهد که اگرچه آن‌ها اطلاعات را دریافت و منتشر می‌کنند، اما کنترل کمتری بر جریان اطلاعات بین سایر بازیگران دارند. در مقابل، نهادهای بین‌المللی و دیاسپورا با پایین‌ترین مقادیر، در حاشیه شبکه قرار دارند و تأثیر ساختاری مستقیم

کمتری بر پویایی‌های داخلی امنیت پایدار دارند، اگرچه نمی‌توان نقش تحریک‌آمیز آن‌ها را نادیده گرفت. این تحلیل کمی به صورت عینی تأیید می‌کند که تحقق امنیت پایدار در گرو تعامل سازنده با رهبران محلی (به دلیل موقعیت ساختاری قوی آن‌ها) و شفافیت در تصمیم‌گیری‌های نهادهای مرکزی (به دلیل کنترل انحصاری آن‌ها بر جریان اطلاعات) است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل زمینه‌های تحقق امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چندقومی ایران با بهره‌گیری از مدل شبکه‌های سیاسی، نشان‌دهنده ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و نظام‌مند در مواجهه با چالش‌های امنیتی این مناطق است. رابطه بین بازیگران دولتی و غیردولتی در کلان‌شهرهای چندقومی ایران از الگوهای پیچیده و متنوعی پیروی می‌کند که ریشه در بافت تاریخی، فرهنگی و سیاسی هر منطقه دارد. در برخی کلان‌شهرها مانند مشهد و تبریز، نهادهای مذهبی و فرهنگی به‌عنوان پل ارتباطی بین ساختارهای دولتی و گروه‌های غیردولتی عمل می‌کنند و فضایی برای گفتگو و تعامل فراهم می‌سازند. این نقش واسطه‌گری باعث می‌شود تنش‌های قومی و مذهبی در چارچوبی مدنی و غیر خشونت‌آمیز مدیریت شود. در مقابل، در شهرهایی مانند زاهدان و کرمانشاه، شکاف عمیق‌تر بین نهادهای دولتی و کنشگران غیردولتی منجر به شکل‌گیری الگوهای تقابلی و گاه خشونت‌آمیز شده است. تهران به‌عنوان پایتخت، الگوی متفاوتی را نشان می‌دهد که در آن شبکه‌های متنوع مدنی و اجتماعی امکان تعامل مستقیم‌تر با نهادهای دولتی را دارند، هرچند این تعاملات گاه با چالش‌های جدی همراه است. در سطح کلان، امنیت پایدار در این کلان‌شهرها نه از طریق حذف یا سرکوب کنشگران غیردولتی، بلکه از طریق شناخت ساختارهای شبکه‌ای و تقویت مکانیسم‌های تعاملی قابل‌دستیابی است. تجربه نشان داده است که در شهرهایی که نهادهای واسطه‌توانسته‌اند اعتماد بین بازیگران دولتی و غیردولتی را افزایش دهند، ظرفیت بیشتری برای مدیریت بحران‌های امنیتی وجود دارد. در این چارچوب، امنیت پایدار به معنای حذف تنوع قومی و مذهبی نیست، بلکه بی‌معنای ایجاد سازوکارهایی است که این تنوع را به عاملی برای انعطاف‌پذیری اجتماعی تبدیل کند. کلید این تحول در شناخت دقیق روابط شبکه‌ای بین کنشگران و طراحی سیاست‌های محلی شده بر اساس ویژگی‌های هر کلان‌شهر نهفته است. در مشهد، تقویت نهادهای مذهبی معتدل به-

عنوان واسطه، در تبریز حمایت از نهادهای فرهنگی محلی و در زاهدان ایجاد کانال‌های جدید ارتباطی بین رهبران محلی و نهادهای دولتی می‌تواند به تقویت امنیت پایدار کمک کند. در نهایت، رابطه بین کلان‌شهرهای چندقومی و امنیت پایدار را می‌توان رابطه‌ای دیالکتیک دانست که از یک سو نیازمند حفظ حاکمیت قانون و ثبات سیاسی است و از سوی دیگر مستلزم به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و مشارکت دادن گروه‌های مختلف در فرایندهای تصمیم‌گیری محلی است. تجربه ایران نشان می‌دهد که رویکردهای صرفاً امنیتی و متمرکز نه تنها به امنیت پایدار منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است چرخه‌ای از تنش‌های جدید ایجاد کند. در مقابل، رویکردهای شبکه‌محور که بر درک روابط بین کنشگران و تقویت نهادهای واسطه تأکید دارند، ظرفیت بیشتری برای ایجاد تعادل پویا بین تنوع فرهنگی و امنیت پایدار ارائه می‌دهند. این پژوهش نشان می‌دهد که آینده امنیت در کلان‌شهرهای چندقومی ایران تا حد زیادی به توانایی نظام حکمرانی در تطبیق خود با این پیچیدگی‌های شبکه‌ای وابسته است.

در بعد سیاست‌گذاری، این پژوهش پیشنهاد می‌کند که طراحی و اجرای برنامه‌های امنیتی باید با مشارکت فعال نمایندگان گروه‌های قومی و نخبگان محلی صورت پذیرد. تشکیل شوراهای مشورتی امنیتی در سطح محلات، راه‌اندازی پلیس محله‌ای چندقومی و آموزش نیروهای انتظامی در حوزه مهارت‌های بین‌فرهنگی از جمله راهکارهای عملیاتی پیشنهادی هستند. از منظر مدل شبکه‌های سیاسی، تقویت گره‌های ارتباطی بین نهادهای مرکزی و محلی و همچنین تسهیل جریان اطلاعات بین سطوح مختلف حکمرانی می‌تواند به بهبود کارایی سیاست‌های امنیتی بینجامد. در پایان باید تأکید کرد که امنیت پایدار در کلان‌شهرهای چندقومی ایران نه به‌عنوان وضعیتی ایستا، بلکه به‌مثابه فرایندی پویا و مستمر نیازمند بازنگری و بازسازی مداوم است. تلفیق هوشمندانه رویکردهای امنیتی سنتی با راهبردهای نوین جامعه‌محور، توجه هم‌زمان به ابعاد عینی و ذهنی امنیت و ایجاد تعادل بین الزامات امنیت ملی و حقوق شهروندی، می‌تواند الگویی بومی برای مدیریت امنیت در کلان‌شهرهای چند فرهنگی ایران ارائه دهد.

فهرست منابع

- احمدی، حمید. (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: از افسانه تا واقعیت، تهران، نشر نی.
- احمدی، محمدحسین، الوند، مریم. (۱۳۹۱). نقش قوم‌گرایی در نآرامی‌های اجتماعی، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم.
- احمدی، یعقوب، محموداوغلی، رضا (۱۳۹۷) احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تأثیر آن بر خشونت سیاسی، نشریه پژوهش سیاست نظری، دوره جدید، شماره ۲۳، صص ۳۳۶-۳۰۵.
- احمدی‌پور، زهرا، حیدری‌موسلو، طهمورث، حیدری‌موسلو، طیه. (۱۳۸۹). تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران جهت امنیت پایدار، فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره ۱، صص ۶۲-۳۵.
- اسمیت، آنتونی. (۱۳۷۷). منابع قومی ناسیونالیسم، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱.
- باقری، معصومه، نوح، عبدالرضا، شجاعی، حدیث. (۱۴۰۱). الگوسازی ساختاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر همگرایی بین‌قومی در شهر اهواز، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره پیاپی ۳۸، شماره سوم، پاییز، صص ۶۶-۳۹.
- جلالیان، سیداسحاق. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت پایدار مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: شهرستان مرزی سردشت، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۷ شماره ۴، زمستان.
- جهانی‌راد، حجت‌اله، خرمی‌آلام، محسن، شماخی، صمد و علمی، محمد. (۱۴۰۱). تحلیلی بر پیامدهای امنیتی نابرابری فرصت‌های اقوام در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران، سال ششم، شماره ۲، زمستان.
- حاجی‌زاده، کاظم. (۱۳۹۹). بررسی تجربی الگوی روابط قومی در ایران، مطالعات اجتماعی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱، بهار.
- حسینی، فرزین، مرادیان، محسن، ذوالفقاری، حسین و کلاتری، فتح‌اله. (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر امنیت پایدار مرزهای استان آذربایجان غربی با تأکید بر عامل اقتصادی، فصلنامه امنیت ملی، سال دوازدهم، شماره پنجاه، زمستان، صص ۱۲۰-۸۵.
- حسینی‌فر، عبدالرحمن، عباس‌زاده، مجید. (۱۴۰۰). فضای مجازی، چالش هویت‌جویی قومی و راهکارهای پیش‌روی دولت جمهوری اسلامی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفدهم، شماره اول، بهار، صص ۲۱۳-۱۷۸.
- رمضان‌زاده، عبدالله، بهمنی‌قاجار، محمدعلی. (۱۳۸۷). هویت ایرانی و چندگانگی قومی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۱.
- زارعی، غفار. (۱۳۹۸). نقش هویت قومی در همبستگی ملی پس از انقلاب اسلامی: رویکردی چندفرهنگی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۷.

- زمانی، محسن. (۱۳۹۴) تکثرگرایی قومی راهی برای ایجاد وحدت و همبستگی ملی و اعتدال‌گرایی، همایش ملی گفت‌وگو، اعتدال، دانشگاه ایلام، ۲۵ و ۲۶ آذر.
- سراج‌زاده، سیدحسین، قادرزاده، امید، رحمانی، جمیل (۱۳۹۳) مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی، جامعه‌شناسی ایران، ۱۵ (۴)، صص ۲۹-۳.
- سرور، رحیم. (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار، پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، سال ۲، شماره ۷، صص ۵۴-۲۵.
- سیدامامی، کاووس. (۱۳۸۵). قومیت از منظر سیاست‌های هویت، دانش سیاسی، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۴۳.
- شهبازی، امیرحمزه. (۱۳۹۸). قومیت، جنسیت و عملکرد فضاهای شهری در شهرهای چندقومیتی، جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- عسگری، محمود، معینی، محمدحسین، آقاجانی، احمد. (۱۳۹۹). ژئوپلیتیک قومیت‌ها در تحولات ژئوپلیتیکی همگرایی و واگرایی غرب آسیا با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه محیط راهبردی، شماره ۱۱، تابستان.
- علایی، حسین. (۱۳۹۱). امنیت پایدار در سند بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹.
- غفاری‌گیلاننده، عطا، سیلابی، پروین، نظم‌فر، حسین و محمدی، علیرضا. (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل فضایی گستره‌های فقر شهری با استفاده از آمار فضایی در محیط GIS، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال نهم، شماره ۴، صص ۲۶۲-۲۴۷.
- فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان. (۱۴۰۱). گزارش آماری ناامنی‌های استان.
- قادرزاده، اسد. (۱۴۰۱). مشکله همبستگی در جامعه چندقومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۶) جنبش‌های جدید اجتماعی: مطالعه موردی آذربایجان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، بهار.
- کامران، جلال، زیاری، کرامت‌الله و ذاکرحقیقی، کیانوش. (۱۴۰۰). تبیین عوامل تأثیرگذار در پیدایش و تکوین محلات شهری چندقومیتی، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره ۱، زمستان، صص ۳۲۱-۲۹۷.
- کلهر، مریم، رومینا، ابراهیم، جعفری، مهتاب (۱۴۰۰) شاخص‌های ژئوپلیتیکی شهرهای مذهبی (مورد مطالعه شهر مقدس مشهد)، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره ۱، زمستان.
- محمدی‌حمیدی، سمیه، کلانتری، محسن و ویسیان، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل وضعیت نورپردازی و ارزیابی ایمنی فضاهای شهری با استفاده از راهبردهای CPTED و مدل ارزیابی Safety Audit، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۳، صص ۳۴۱-۳۲۵.

- مختاری‌هشی، حسین، وزین، نرگس و قادری‌حاجت، مصطفی. (۱۳۹۶). بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان، صص ۶۰-۴۳.
- ملکشاهی، مجتبی، سیرکی، گارینه و حسین‌فر، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). وضعیت حکمرانی خوب و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان، صص ۳۸۸-۳۷۰.
- موسوی‌سرشت، سیدمعین و بابایی‌فرد، اسداله. (۱۴۰۱). بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در میان مردم عرب خوزستان، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۳، بهار، صص ۹۲-۶۳.
- نصیری، حسین. (۱۳۸۴). امنیت ملی پایدار، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
- نقدی، اسداله، احمدی، امیدعلی و سلطانی‌عزت، محمود. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی میزان همگرایی قومیت‌های استان همدان، مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۶۸/۴.
- نواح، عبدالرضا، خیری، حیدر (۱۳۹۵). بررسی هویت قومی و تأثیر آن بر احساس طرد اجتماعی، راهبرد اجتماعی.

